

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۴

صفحات: ۱۶۲-۱۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۲

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

دکتر مهدی خلفخانی*

چکیده

وبلاگ‌ها و آن‌چیزی که به وب لاگستان و وب گوپوتیا اشتها یافته موضوع مهمی برای مطالعه در حوزه علوم اجتماعی و سیاسی شده‌اند. در این مورد که چرا وبلاگ‌ها مهم شده‌اند؟ دیدگاه‌های زیادی مطرح گردیده و از میان این موارد نقش آن‌ها در فرایند دموکراتیزه شدن در فضای وبلاگ‌ها و پیشبرد برنامه‌های دموکراسی شدن در فضای سایبراست. در این مقاله نویسنده براساس رهیافت نظریه انتقادی، به بررسی قابلیت‌های وبلاگ‌ها برای دموکراسی شدن متمرکز شده است و نظریه انتقادی را در شرایط چند بعدی و فرامنطقه‌گرای اینترنتی به آزمون گذارده است. هدف مقاله توضیح قابلیت‌های ایجاد شده از طریق اینترنت در بسط حوزه عمومی جدید است. فرضیه این تحقیق این است که وب لاگ‌ها می‌توانند با قابلیت‌های چند بعدی که ایجاد می‌نمایند، باعث بسط کلونی‌های جدید و یا حوزه‌ی عمومی نوین گردند. این تحقیق در حوزه دموکراسی، حقوق بشر و مسائل توسعه سیاسی نوشته شده است. روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل مبتنی بر استفاده از داده‌های ثانویه است.

واژگان کلیدی

وبلاگ‌ها، اینترنت، حوزه عمومی، دموکراسی شدن.

* استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران mkhalafkhani@iau-garmsar.ac.ir

مقدمه

مساله ظهور حوزه جدید عمومی به نام حوزه وب لاگ‌ها^۱ از سال ۲۰۰۴ امیدهای زیادی را در بسیاری از علمای اجتماعی مبنی بر ظهور حوزه عمومی جدید ایجاد کرده است. امکانات فراهم شده از طریق سایت‌ها و وب لاگ‌ها تصویر امید بخشی را در بسیاری از محققین ایجاد نمود. آن چیزی که وب لاگ‌ها را در مرکز توجه قرار داد این بود که وب لاگ‌ها به عنوان قسمتی از فضای شبکه ای جهانی اینترنتی، صفحات دارای متن، پیام و تصویر هستند که به صورت دوره ی و گاه شمار و آنلاین (روی خط) اطلاعات خود را از طریق هایپرلینک‌های^۲ که به لینک‌های دیگر متصل هستند در اختیار خوانندگان قرار می دهند. در سال ۱۹۹۹ تعداد ۵۰ وب سایت و تعداد معدودی وب لاگ بر روی شبکه فعال بودند. با اختراع نرم افزار جدید پیرا لیز^۳ دسترسی رایگان و بر خط کاربران ممکن گردید. بدین ترتیب در پایان سال ۲۰۰۰ هزاران وب سایت جدید ایجاد شدند. متعاقب تحولات فن آورانه مذکور، بین سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، ۷۰ میلیون وب سایت جدید نیز ایجاد شدند و اطلاعات گوناگونی را در اختیار خوانندگان قرار دادند. مهمتر اینکه بر اساس گزارش سازمان به روز سازی زنده^۴، روزانه ۱۲۰ هزار وب لاگ جدید بر تعداد وب لاگ‌های موجود در شبکه اینترنت اضافه می گردد. همین افزایش تصاعدی وب لاگ‌ها، باعث خلق فضایی گردیده است که از آن تحت عنوان دهکده جهانی مجازی نام می برند. نتیجه ی توسعه دهکده مجازی نوین، طرح مفاهیم جدید در ادبیات اجتماعی و علوم سیاسی تحت عنوان فضای وب لاگ‌ها^۵، بلوگتوپیا^۶، بلوگومانیا^۷، وب لاگی شدن^۸ و وبلاگستن^۹ بوده است (Hedelman, 2007:2).

1. Weblogs sphere

۲-Hyperlinks واژه ها یا عباراتی (گاهی تصویر) زیر خط دار هستند که اگر روی آنها کلیک کنیم به مکان دیگری در اینترنت می رویم .

3. Pyra Labs

4. The live Update Quarterly Report

5. Blogosphere

6. Blogtopia

7. Blogomania

8. Blogalization

9. Weblogistan

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

به هر صورت وب لاگ‌ها امروز به پدیده مهمی تبدیل شده‌اند و مطالعه آن توجه زیادی را جلب نموده است. اینکه چرا وب لاگ‌ها به موضوع مهم مطالعات سیاسی اجتماعی شده اند « درزner معتقد است که:

- وبلاگ‌ها یک هوس زود گذر نیستند و در آن‌ها موضوعات اساسی برای مطالعه و بررسی وجود دارد (Drezner & Farrell, 2007: 8).

- وبلاگ‌ها به نوبه خودشان بر مسائل سیاسی تاثیر می‌گذارند. وسیله ای برای نزدیک شدن به مسائل مهم علوم اجتماعی در کل هستند.

- وب لاگ‌ها و حوزه وب لاگ جلگه حاصل خیز و فوق العاده را برای مطالعات علوم اجتماعی فراهم می‌آورند و دانشمندان علوم اجتماعی نیاز دارند که در مورد آن و نتایجی که ایجاد می‌نمایند بحث نمایند.

- وب سایت‌ها وسیله تبادل متقابل، دو سویه و غیرمتمرکز آراء و اطلاعات هستند. برای نمونه، طبق برآوردهای موجود تنها در آوریل ۲۰۰۵، تعداد ۲۹/۸ میلیون نفر خواننده آن لاین وب لاگ نیویورک تایمز بوده‌اند.

- وب سایت‌ها نشان داده اند که هنوز تالاری برای گفتگو در مورد مباحث عمده سیاسی وجود دارند.

- وب سایت‌ها، وسیله مهمی برای مبارزات انتخاباتی در بیشتر کشورها شده‌اند (Drezner & Farrell, 2007: 1).

[پیرس] هم از جمله محققینی بوده است که کار خود را بر مطالعه وب لاگ‌ها متمرکز نموده است. از دید ایشان، وب لاگ‌ها توانسته‌اند ارتباطات را در چهار سطح زیر تسهیل نمایند:

- **به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط میان اشخاص**، گفتگوی میان اشخاص در وب لاگ‌ها، بلوک‌های ساختمانی منظمی را برای ارتباطات فراهم آورده است.

- **به عنوان شبکه ای از پایگاه داده‌ها**، وب لاگ‌ها توانسته‌اند به مخاطبین و صداهای زیادی در اکثر نقاط شبکه دسترسی یابند.

- **به عنوان قسمتی از توانمندی ایجاد شده**، نرم‌افزارهای جدید، وب لاگ نویسان را به ایجاد برنامه ریزی نرم افزاری پیچیده که به حداقل آموزش نیازمند است، توانا ساخته است.

- وب لاگ‌ها توانسته‌اند مخاطبین و شنوندگان چندگانه را به هم برسانند و این مخاطبین از طریق این سیستم به مخاطبین دیگر در شبکه وصل گردند. این ارتباطات متقابل در وب لاگ‌ها به مولف و ملاقات کننده ی وب اجازه داده که اندیشه خود را به صورت مستقیم مطرح نمایند و از سوی دیگر به ملاقات کننده از وب امکان داده که با اعلام نظرات و پیشنهادات، در مذاکره مجزا مشارکت نمایند. از سوی دیگر، امکانات وب لاگی فرصت‌های را فراهم آورده که گفتگوی متقابل بین طرفین، پس از اینکه وب در حالت خاموش است بدون حضور طرفین ادامه یابد. از همه مهمتر، از آنجا که وب لاگ‌ها به همدیگر وصل هستند، امکان گفتگو در باره ی وب لاگ اصلی بدون حضور و اطلاع مولف وب لاگ ممکن گردد (Teresa Tess, 2007: 4-6).

با توجه به مقدمه فوق، این مقاله به توضیح قابلیت‌های فضای وب لاگ‌ها برای توسعه حوزه عمومی جدید مد نظر یورگن هابرماس متمرکز است. سوال این است که با توجه به قابلیت‌های چند بعدی که اینترنت و وب لاگ‌ها ارائه نموده اند، امکان ایجاد حوزه عمومی جدید خارج از ساختار قدرت دولتی وجود دارد؟

گفتار اول: چارچوب نظری

چارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این مقاله نظریه حوزه عمومی است. در این ارتباط، ابتدا نظریه معرفی و در ادامه قضایای نظری ذکر و برداشت مد نظر از حوزه عمومی توضیح و در نهایت قابلیت نظریه در شرایط جدید به آزمون گذاشته می شود. نظریه حوزه عمومی نظریه انتقادی است و تفسیر هنجاری، تجویزی و آرمانی برای رفتارهای ارتباطی ارائه می‌نماید. این نظریه توسط اندیشمندی چون، ارسطو، جان استوارت میل، هانا آرنت، کانت، هگل، مارکس، جان دیوی، میخائیل باختین و یورگن هابرماس مطرح شده است.

ارسطو اولین فیلسوفی بوده که در زمینه حوزه عمومی صحبت نموده است. دیدگاه ارسطو اساسی آرمانی برای دیدگاه معاصر دموکراتیک برای تمایز امور حوزه عمومی و خصوصی بوده است. از دید او پولیس یا حوزه ی عمومی، محلی بود که مردم می‌توانستند در آن تقوا و ترجیحات معنوی خود را از طریق تلاش‌های روشنفکرانه و اخلاقی بسازند. از دید ارسطو تنها از طریق چنین فعالیت‌های بود که افراد می‌توانستند ظرفیت معنوی و روشنفکرانه خود را

بسط و به انسان کامل تبدیل شوند. از دید او در حوزه عمومی است که مسائل عمومی جامعه تعیین و حل می شود. از نظر ارسطو منزل^۱ همان حوزه خصوصی بود که مهمترین وظایف آن در زمینه های اقتصاد بود و روابط خودمانی^۲ و صمیمی مردم در حوزه ی عمومی صورت می گرفت. تفاوت حوزه عمومی و خصوصی در اندیشه او این بود که منزل در درجه ی پایین تری در مقایسه با شهر قرار می گرفت. از دید او تنها شهر بود که می توانست نیازهای انسانی را تامین و باعث توسعه معنوی شود و انسان تنها در شهر بود که به کمال انسانی می رسید (Jennifer, 2002:23).

ایمانوئل کانت از دیگر فلاسفه ای بوده که از حوزه عمومی بحث نموده است. کانت بحث در مسائل عمومی را کار فلسفی تلقی می نمود که به عامه مردم دخلی نداشت. برداشت او از فلسفه، بر خلاف برداشت امروزی این بود که فلسفه صرفاً مشغله دانشگاهی نیست که تاثیرات عملی برای زندگی همه مردم نداشته باشد. بنابراین مباحثه برای تصمیم گیری در باره ی بسیاری از مسائل باید بر عهده عامه ی مردم گذاشته شود، هر چند منظور او عامه ی خرد ورز است. از دید کانت کاربرد عقل و خرد در امور عمومی می باید همواره آزاد و تنها چنین کاربردی می تواند به گسترش روشننگری در میان مردم بیانجامد. کانت پیدایش انجمن های سری چون فراماسونری ها را نتیجه ی محدودیت مباحث عمومی می دانست. از دید او جامعه مدنی به طور طبیعی و بدون اعمال زور به نهاد تضمین کارکرد درست و عادلانه دولت تبدیل خواهد شد (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۵).

هگل و در ادامه او کارل مارکس نیز از جمله فلاسفه برجسته ای بودند که در مورد حوزه عمومی صحبت نموده اند. کارل مارکس جامعه مدنی را نه تنها به عنوان مقوله دارای وحدت، بلکه به مثابه پدیده ای تعارض آمیز و مرکب از طبقاتی در نظر گرفت که ضرورتاً در حال کشمکش هستند. بنابراین افکار عمومی که در حوزه عمومی بورژوازی تجلی می یابد، چیزی بیش از آگاهی کاذب نیست (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۸). از دید مارکس، حوزه عمومی حوزه منازعه است. از دید مارکس، تصور قابلیت دسترسی و گفتگوی آزاد و نامحدود، مغلطه ای است که ایدئولوژی بورژوازی ایجاد کرده اند. از دید ایشان تنها از طریق اجتماعی کردن وسائل تولید و از

1. Oikos
2. Intimate

میان بردن طبقه بورژوا و انقلاب می‌توان به امکان دسترسی کامل و فقدان کلی محدودیت در حوزه عمومی دست یافت (هولاب، ۱۳۷۸: ۲۹).

جان دیوی نیز از مهمترین اندیشمندانی است که در باب حوزه عمومی صحبت نموده است. از دید او حوزه عمومی زمانی به وجود می‌آید که افراد دارای ارتباط متقابل با دیگران می‌گردند. از دید او روابط اجتماعی، روابط متقابل مهمی هستند، برای اینکه می‌تواند بین دو فرد نتایج بی‌قصد و منظوری را ایجاد نمایند. او از وجود سرمایه اجتماعی صحبت می‌کند که شامل شبکه‌های اجتماعی است که افراد برای تغییرات اجتماعی و برای اجتماع در آن وارد می‌شوند. از دید او وقتی مذاکره دارای نتایج بی‌قصد و نیتی دیگری باشد، این مذاکرات عمومی می‌گردند، خواه برای برنامه ریزی تجاری یا برای انحصار بازار باشد. از دید او اهداف و پیامدهای بی‌قصد و منظور (ناخواسته) تنها معیار عمومی شدن نیست، ولی وقتی مردم در اموری که لازم است برای تعداد زیادی از اعضای جامعه طرح شوند، درگیر می‌شوند، در این حالت عمومیت ایجاد می‌گردد. این عموم می‌توان به شکل گروه‌های ذی‌نفوذ و یا گروه‌های فعالیت باشند. از دید دیوی اتحادیه‌های غیر رسمی بین مردم می‌توانند به شکل اتحادیه‌هایی با هویت گروهی، ساختار رسمی و هنجاری برای رفتار اجتماع و یا برای هدفی شوند. چنین اتحادیه‌ها، اتحادیه‌های انتقادی هستند، برای اینکه آن‌ها نوعی کل سیاسی هستند که می‌توانند با هم کار کنند یا علیه ساختار رسمی حکومتی که تنظیم کننده دولت بزرگ درون سازمان‌های رسمی عمل نمایند. از دید او، دولت عنصر اساسی و مورد نیاز عموم است که از طرف مردم ایجاد و برای داوری و ایجاد قوانین و کمک به اجرای پیامدهای اقدامات افراد که قسمت اعظم مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به وجود می‌آیند. این افراد خاص مجهز به قدرت خاص و اقتدار هستند. در نتیجه وظیفه شهروندان این است که نگهبان مامورین باشند. از دید جان دیوی، تفاوت حوزه عمومی و خصوصی بدین صورت است که حوزه خصوصی وقتی شکل می‌گیرد که پیامد عمل، محدود^۱ به آنهایی است که در آن درگیر هستند. حوزه عمومی هم وقتی ایجاد می‌شود که مردم درگیر مذاکرات مهمی می‌شوند که نتایج آن خارج از حوزه خودشان است (Stromer, 2005: 24).

1. Confined

بدون شک هانا آرنت را می‌توان از مهمترین نظریه پردازانی دانست که در ارتباط با حوزه عمومی بحث نموده است. هانا آرنت سیاست را گفتگو، حرف زدن و مباحثه می‌داند. از دید او جوهره سیاست سخن ورزی و بیان است و انسان‌ها از آن رو موجودات سیاسی هستند که قدرت تکلم دارند. به نظر وی خشونت به مثابه پدیده‌ای ما قبل سیاسی اساساً گنگ، لال و خاموش است. از دید هانا آرنت خشونت پدیده‌ی صامت است. خشونت برای اینکه کارا باشد یک سوپه و یک طرفه عمل می‌کنند و به دیگران اجازه نمی‌دهد به گفتگو بنشینند (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

آرنت برای توضیح دیدگاه خود در ارتباط با حوزه‌ی عمومی و خصوصی به تمایز بین منزل^۱ و پولیس اشاره می‌کند. از دید او این تمایز در دولت شهری‌های یونان کاملاً آشکار بود. در یونان باستان مردان فاقد مالکیت در منزل نمی‌توانستند در پولیس مشارکت نمایند. منزل، معاش^۲ را که ضرورتی برای برای مشارکت در پولیس بود فراهم می‌آورد. از این روی منزل و پولیس لازم و ملزوم هم دیگر بودند. هر یک از این حوزه‌ها نقش خاصی را از مردم می‌طلبید. از دید او مفهوم حوزه عمومی و خصوصی، مفهومی اجتماعی ساخت^۳ است.

از سوی دیگر دیگر هانا آرنت برای توضیح مفهوم حوزه عمومی از دو واژه پراکسیس^۴ و پوئیسیس^۵ استفاده می‌کند. از دید او پراکسیس یا کنش می‌تواند در ارتباط با پوئیسیس یا فعالیت تولید درک شود. از دید او پوئیسیس فعالیت است که منجر به تولید نهایی یا وسیله برای هدف است. عمل کشت گل‌ها یا طراحی یک ساختمان یک عمل ابزاری برای تولید نهایی است. این درحالی است که پراکسیس خود یک هدف است. تعمق^۶ یا کنش‌های با تقوا و با فضیلت^۷ در دیدگاه ارسطو خود هدف هستند. سیاست، کنش‌ها، مباحثه و تعمق در مسائل، برای ساختن یک انسان کامل ضروری هستند. از دید هانا آرنت از طریق مباحثه است که انسان‌ها هویت و آرای خود و نظرات دیگران را می‌فهمند. مردم می‌توانند به حوادثی که در

-
1. Hearth
 2. Sustenance
 3. Social Construct
 4. Praxis
 5. Poesies
 6. Contemplation
 7. Virtuous Actions

جهان رخ می دهد، واکنش نشان دهند و جایگاه خودشان را در این رویدادها و حوادث مشخص نمایند (Stromer, 2005: 27).

از دید «کمپ»^۱ نیز، حوزه عمومی، حوزه از حیات عمومی است که از طریق آن موافقتنامه‌های میان ذهنی^۲ در باب ارزش‌ها و استانداردها برای حل مسائل عملی یا اجتماع سیاسی حاصل می‌گردد.

از دید «کئان» حوزه عمومی عرصه‌ی است که در آن بررسی می‌کنند که چه چیزی انجام دهند، چگونه با هم زندگی کنند، محدودیت‌های معین و وسایل حصول به آنرا معین می‌کنند. همچنین بررسی می‌کنند که چگونه ممکن است به صورت جمعی در آینده قابل پیش بینی عمل کنند.

«اشنایدر» در تعریف خود از حوزه عمومی معتقد است که:

- اولاً حوزه عمومی منطقه است.
- حوزه عمومی با مشارکت ایجاد می‌گردد.
- حوزه عمومی نیازمند ارتباط متقابل میان اعضاء است و این ارتباطات نیازمند اعضای برای استفاده از توانایی‌های گفتمانی، کلامی و گفتگویی آن‌ها است.
- هر گفتگو و گفتمان قسمتی از حوزه عمومی نیست (Schneider, 1997:15).
- هابر ماس از مهمترین نظریه پردازان حوزه عمومی بوده است. از نظر او ویژگی حوزه عمومی شامل موارد زیر است :
- حوزه عمومی، حوزه از حیات اجتماعی است، چیزی که افکار عمومی می‌تواند در آن به هم نزدیک شوند.
- حوزه عمومی، حوزه‌ای است که به واسطه آن جمعیت به‌عنوان عموم در کنار هم جمع می‌شوند و نیازهای جامعه و دولت را محاسبه می‌کنند.
- حوزه عمومی، حوزه از مردم خصوصی هستند که به‌صورت جمعی و عمومی جمع می‌شوند.
- حوزه عمومی، حوزه است که اشخاص از دلایل و استدلال خودشان به صورت عمومی استفاده می‌کنند.

1. Kemp
2. Inter Subjective

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

از دید هابرماس دموکراسی لیبرال بر شکاف بنیادین بین دولت و جامعه مدنی مبتنی است و تنها از طریق فرایند دموکراتیک این رابطه برقرار می‌شود (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۲۴). از دید او مهمترین تمایز مورد استفاده برای تشریح حوزه ی عمومی تمایز بینش ایده الی^۱ و حوزه ی عمومی لیبرال^۲ است. بینش ایده الی از حوزه عمومی، حوزه عمومی را به عنوان وسیله‌ای برای افراد خصوصی برای کشف منافع مشترک و ارتباط دادن این منافع به دولت می‌داند. بینش لیبرال، معتقد است که مهمترین کارکرد حوزه عمومی، فراهم آوردن مشروعیت^۳ برای هم اقدامات دولت و بازار خصوصی است. در دیدگاه ایده الی از حوزه عمومی، همه اعضای سیاست، یعنی هم شهروندان مستقل و خصوصی، فرصت کافی را برای مشارکت در مباحث انتقادی منطقی از موضوعات مرتبط با حیات سیاسی را دارند. این مباحث منجر به اجماع میان اعضای جامعه در باب اقدامات می‌شود و این برای دولت برای درگیری و ایجاد دموکراسی میان مشارکت‌کنندگان در مباحث عمومی ضروری است. مقامات عمومی این موضوع اجماع^۴ ایجاد شده را با تدوین قوانین پاسخ می‌دهند (Steven, 1997: 17).

از دید هابرماس چند ویژگی اساسی به مثابه شالوده ی اساسی شکل‌گیری حوزه عمومی بوده‌اند که شامل:

- از بین رفتن منزلت و تفاوت‌های منزلتی. هابرماس معتقد نیست که می‌توان همه نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را محو و نابود کرد، بلکه با شکل‌گیری حوزه عمومی، آن‌ها را باید در پارانتز قرار داد و نادیده گرفت.

- حوزه عمومی مبتنی بر این مفهوم است که استدلال عقلانی تنها داور نهایی در باره مسائل است.

- به عقیده هابرماس، در حوزه ی عمومی مبتنی بر مساله دار شدن^۵ همه حوزه است که تا آن زمان مورد سوال قرار نگرفته بودند. همه مسائلی که تا این زمان به صورت انحصاری در اختیار کلیسا و یا مقامات حکومتی بودند به روی بحث و گفتگوی باز شدند و در حوزه عمومی تمام مسائلی که می‌توانستند جزء علائق عمومی باشند مورد بحث قرار گرفتند.

1. The Idealized Vision
2. The Degenerate and the Idealized Vision
3. Legitimacy
4. Consensus
5. Problematization

- حوزه عمومی بر خلاف جامعه مدنی که محل خواست‌های خصوصی است، محل ابراز و بیان خواست‌های عمومی است و بنابر این هیچ‌گونه محدودیتی برای بحث و گفتگو ایجاد نخواهد شد.

- حوزه عمومی تازه مستقر در برگیرنده بودند. هر کسی با دسترسی به محصولات فرهنگی، کتاب‌ها و مطبوعات، حداقل شرایط لازم را برای ورود به بحث در خصوص مسائل عمومی را به دست می‌آورد. لیکن حوزه عمومی اولیه، عمدتاً شامل افرادی می‌شدند که دارای سواد یا مالکیت بودند، ولی به لحاظ نظری این دسترسی برای همگان قابل تصور بود (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۳۴).

از دید «اونیل» رویکرد انتقادی مد نظر هابرماس به دنبال ایجاد ساختاری است که می‌تواند آزادی موثر و برابری را برای همه فراهم نماید. او در این رابطه به چهار شکل اساسی خودگردانی دموکراتیک در مدل دموکراسی هابرماسی اشاره می‌نماید که شامل:

- در برگیرندگی گفتمان عمومی که قدرت ارتباطی لازم را برای شهروندان برای مشارکت و درگیری در اعمال نامحدود گفتمان خوب شکل گرفته را فراهم می‌آورد.

- اساساً فرایند تصمیم‌گیری بایستی حساس و پاسخ‌گو به حوزه عمومی باشد. از طریق تضمین این موضوع، قدرت ارتباطی می‌تواند به صورت موثری به درون قوانین مشروع انتقال داده شود.

- مشروعیت سیستم بستگی به کیفیت فرایند شکل‌گیری مطلوب و بهینه دموکراسی خواهد داشت.

- هر گونه زمینه لازم بایستی فراهم گردد تا شهروندان به صورت برابر و آزاد بتوانند از طریق مشورت عمومی در امور سهیم شوند.

- از سوی دیگر هر گونه شرایطی که فرصت‌های موثر و مساوی گروه‌های اجتماعی برای اعمال نفوذ سیاسی شان می‌گردد بایستی از بین رود. از دید او کارآمدی فرایند دوم بستگی به تحقق شرایط دربرگیرندگی اجتماعی حداکثری و به تضمین آزادی‌های سیاسی موثر برای همه شهروندان از طریق تدابیر قانون اساسی دارد (Shane, 2005:130).

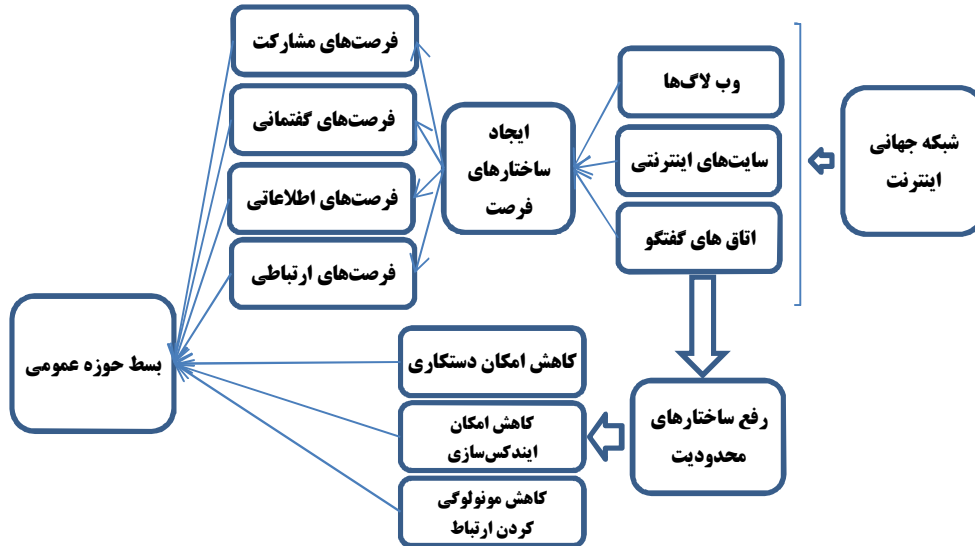
«لینکلن دالبرک» نیز حوزه عمومی مد نظر هابرماس را شامل ویژگی‌های زیر می‌داند:

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

- استقلال از دولت و قدرت اقتصادی: یعنی گفتمان بایستی بر مبنای علاقه شهروندان به عنوان عموم باشد نه اینکه به وسیله رسانه‌های پول و قدرت اجرایی که عملیات بازار و دولت را تسریع می‌کند به حرکت درآید.
 - مبادله و نقد قابل انتقاد ادعاهای معتبر اعمال معنوی: یعنی هر گفتمانی بایستی به جای اینکه ادعای دگماتیکی باشد، بایستی قابل نقد و فضا برای نقد آن باز باشد.
 - بازتاب گرایی یا واکنش‌گرایی^۱: یعنی مشارکت‌کننده در گفتمان بایستی به صورت انتقادی ارزش‌های فرهنگی، فروض، منافع و همچنین زمینه‌های اجتماعی وسیع را نقد نماید.
 - ایفاء نقش‌های ایده‌آل^۲: یعنی مشارکت‌کننده امور را بر اساس استدلال دیگران بفهمد. این نیازمند التزام و تعهد به گفتگو بین افراد است که بین استدلالشان تفاوت وجود داد و نیز گوش فرا دادن به استدلال دیگران است.
 - صداقت و صمیمیت^۳: یعنی مشارکت‌کننده بایستی تلاش صادقانه ای را برای دانستن همه اطلاعات داشته باشد و به مشکل، خواست‌های واقعی و نیازها و منافع با تساهل توجه نماید.
 - تساوی و دربرگیرندگی گفتمانی: افراد مشارکت‌کننده دارای شرایط برابر و مساوی برای گفتگو باشند. این دربرگیرندگی می‌تواند به وسیله نابرابری‌های تحمیلی از بیرون از گفتمان، به وسیله ایجاد محدودیت‌های رسمی و غیررسمی ایجاد شود (Dahlberg, 2001: 3).
- با توجه به مباحث مذکور قضایای مفهومی ملهم از نظریه حوزه عمومی به صورت زیر می‌باشد:
- حوزه عمومی حوزه است که دسترسی همه شهروندان به آن تضمین و قلمروی از زندگی اجتماعی است که افکار عمومی در آن شکل می‌گیرد.
 - دموکراسی در صورت ایفاء کارکرد واقعی زیست جهان (حوزه عمومی جامعه مدنی و حوزه خصوصی درونی) و یا دموکراتیک شدن اقتصاد و دولت بوروکراتیک ممکن است.

1. Reflexivity
2. Ideal Role Making
3. Sincerity

- مدرنیزاسیون هر چند سودمند است ولی بی خطر نیست، اگر پول و قدرت تاثیرات بیشتری از تاثیرات زیست جهان و حوزه عمومی باشد یعنی زیست جهان به طور مداوم از سوی سلطه تجاری شدن و اداره بوروکراتیک که بر زندگی اجتماعی و شخصی چنگ انداخته و ارتباطات بشری را کنترل و مختل کند (استثمار زیست جهان) امکان دموکراسی شدن کاهش می یابد.
 - تبادل بی قید و شرط و آزاد با وجود تضمین های آزادی در مورد علائق عمومی در حوزه عمومی صورت می گیرد.
 - تضمین دسترسی به اطلاعات به عنوان پیش شرط حوزه عمومی است.
 - هدف حوزه عمومی تابع و مقید ساختن تصمیمات سیاسی به محکمه عمومی است.
 - هدف حوزه عمومی این است که نیازهای جامعه را به دولت منتقل تا به نحوی آرمانی اقتدار سیاسی را به اقتداری عقلانی تبدیل نماید.
 - آزاد شدن فعالیت های خصوصی افراد در بازار از قید اجبارهای اجتماعی و فشارهای سیاسی در حوزه عمومی.
 - از بین بردن هر گونه مزیت خاص برای گفتگو در این حوزه.
 - فرایند رهایی بخش عقل ارتباطی و گسترش حوزه عقلانیت ارتباطی از طریق ایجاد توانایی های کلامی و ارتباطی.
 - زدودن کژی ها و اختلال های ایدئولوژی از پیکر ارتباطات کلامی.
 - ایجاد امکان دیالگ به جای مونولوگ.
- با توجه به قضایای مستخرج از نظریه حوزه عمومی، مدل نظری این مقاله به شرح زیر است:



شکل ۱- مدل نظری حوزه عمومی

روش‌شناسی: روش جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده اسنادی است. در این تحقیق قسمتی اعظم داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و به شیوه جامعه شناختی محتوای درونی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است.

گفتار دوم: بررسی شواهد تجربی

۱- کولونی‌های جدید و دموکراسی شدن در فضای وب لاگی

این مقاله متمرکز به این موضوع است که فضای وب لاگی جدید ایجاد شده باعث توسعه کولونی‌های انتقادی جدید (حوزه عمومی نوین) سیاسی می‌گردد. در این زمینه ضمن اشاره به دیدگاه‌های موجود، استنادات خود را که شامل مستنداتی از کشورهای جهان کمتر توسعه یافته و جهان سوم هستند را ارائه می‌نمایم. در این رابطه نشان داده می‌شود که فضای وب لاگی چگونه به تعمیق و توسعه حوزه عمومی جدید کمک نموده و باعث ایجاد ضدپارادایم‌های مسلط در بیشتر کشورها جهان در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته می‌شود. لذا بحث را با استدلالاتی آغاز می‌نماییم که موید نقش اینترنت در بسط حوزه عمومی جدید است. مطالعات

انجام شده نشان می‌دهد که اینترنت و فضای وبلاگی به صورت زیر به بسط حوزه عمومی کمک نموده‌اند:

- از دید برنامه توسعه سازمان ملل دسترسی به دانش مهمترین اصل برای ظرفیت سازی انسانی است. در حالیکه آموزش مهارت‌های شناختی را توسعه می‌دهد، اطلاعات و شبکه وب می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار فقرا قرار داده و آن‌ها را غنی سازد. مشکل فقرا این است که جوامع فقیر منزوی و فاقد وسایل لازم برای اقدام جمعی هستند. ارتباطات جهانی اینترنتی باعث ایجاد جنبش‌های مدنی جهانی در سال‌های اخیر شده است. موافقتنامه در زمینه منع کاشت مین‌های ضدنفر (زمینی) ابتکار بحث در باب کمک به کشورهای فقیر و تلاش برای تهیه دارو به بیماران ایدزی در کشورهای فقیر از این جمله هستند.

- اینترنت و تکنولوژی‌های جدید در موارد متعدد ابزار قدرتمندی برای بسیج مردم در سطح محلی بوده است. مبارزات از طریق پست الکترونیکی علیه فساد در انتخابات ۱۹۹۹ کره باعث ایجاد جنبش‌های قوی در اینترنت شده است. جنبش زاپاتیستا در مکزیک و اطلاع رسانی از طریق اینترنت در جریان قتل عام بوسنی‌ها توسط صرب‌ها نیز از این جمله هستند.

- تلاش‌های صورت گرفته در محیط اینترنت حکومت‌ها را بیش از پیش مسؤول و پاسخ‌گو ساخته است (Human, 2001: 48-49).

- تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و در راس آن‌ها اینترنت عامل اصلی جهانی شدن شده‌اند و این امکان به واسطه اتصال انبوهی از شبکه‌ها در سراسر جهان با هزینه‌های نهایی^۱ پایین افزایش یافته است (بی‌نام، ۱۳۸۴: ۲۱-۳۳).

- مطابق گزارشات سازمان‌های بین‌المللی و به‌ویژه گزارش برنامه توسعه سازمان ملل هر روز شاهد کاهش هزینه‌ها و نیز دسترسی عمومی به اینترنت هستیم. البته این موضوع به معنی پایان شکاف‌های شمال و جنوب نیست. هنوز هم در بیشتر کشورهای در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته، آمار کاربران از استانداردهای جهان توسعه یافته، پایین‌تر است (خلفخانی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

1. Marginal Cost

 دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

- اینترنت خود به خود واجد خصوصیتی است که دموکراتیک‌تر از هر وسیله مشابه ارتباطی و چند منظوره‌تر از هر وسیله دیگر و به ویژه واجد ویژگی دو سویه و دیالوگی است که تا به حال هیچ سیستم مشابه ارتباطی (به غیر از تلفن به صورت محدود) واجد آن نبوده است.

- از همه مهمتر ساختار پلورالیستی وب لاگ‌ها و اینترنت است به گونه‌ای است که از اینترنت نظامی با ساخت قدرت چندگانه ساخته است. یعنی در این فضا افراد می‌توانند به اشکال متعدد، محلی برای ایراد نظرات خود داشته باشند. مهمترین ویژگی این حوزه وجود شدید مراکز توزیع و تولید اطلاعات و داده‌ها است که به شدت با ساختار دولتی و کلاسیک رسانه‌ها متفاوت است. در این ساختار اولاً هر فردی می‌تواند با هزینه پایینی محلی را برای گفتگو و ابراز وجود و اظهار نظر داشته باشد. از سوی دیگر فراوانی اطلاعات و تعدد محل‌های تولید اطلاعات است. یعنی ضمن اینکه اطلاعات زیادی قابل تولید از مراکز متعدد است، منبع تولید آن‌ها نیز شدیداً متعدد هستند که این موضوع باعث ساختار پلورالیست اینترنت می‌گردد.

«دان بلز»^۱ گزارشگر روزنامه واشنگتن پست، با توجه به فرصت‌ها و قابلیت‌هایی اینترنتی و وب لاگی ایجاد شده، از دو نیروی رقیب در مورد تا.ثیرات اینترنت صحبت نموده است: اول، تاثیرات دموکراتیزه ساز رسانه و توانایی‌های که برای رای دهندگان برای دریافت مستقیم اطلاعات از اینترنت فراهم شده است.

دوم اینکه در مبارزات سیاسی انتخاباتی گروه‌ها محاسبه می‌کنند که چگونه پیام‌ها را مورد هدف قرار دهند و از این روی وب و رادیو و تلویزیون و ایمیل‌های مستقیم ما را قادر به ارسال پیام‌های موثری می‌کنند که دیدن و شنیدن آن برای ما مشکل است (The virtual, 2002: 4). از سوی دیگر نتایج نظر سنجی‌ها و پیمایش‌های صورت گرفته در آمریکا، چین و ایران نیز نشان می‌دهد که همانگونه که در مطالعات بالا نشان داده شد اینترنت و وب لاگ‌ها به بسط حوزه عمومی کمک نموده است که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲- نتایج نظر سنجی در دانشگاه جورج واشنگتن

ارزیابی این موضوع که فضای وب لاگی چگونه به بسط حوزه عمومی گردیده است نیازمند به ارائه شواهد لازم است. از کارهای اساسی در این زمینه، نظر سنجی به عمل آمده از طریق دانشگاه جورج واشنگتن در خصوص این موضوع بوده است. در نظر سنجی صورت گرفته سوال

1. Dan Balz

گردیده که اینترنت چگونه از لحاظ کمی و تنوع، اطلاعات در دسترس افراد را افزایش داده است؟ این سوال از نمونه ۲۷۱ که مشتمل بر ژورنالیست‌ها و متخصصین برجسته و افراد با تجربه‌های بوده‌اند پرسیده شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که:

- دو سوم پاسخ‌گویان پاسخ داده‌اند که اینترنت توانسته گوناگونی و تعداد اطلاعات مورد نیاز را شدیداً افزایش دهد.

- اینترنت باعث افزایش سرعت^۱ و شتاب امور سیاست با استفاده از ایمیل و دسترسی روی خط به نقدهای^۲ خبری شده است.

- ۴۵ درصد پاسخ داده‌اند که نیاز به استفاده از تلفن برای دریافت اخبار و نقدها کاهش یافته است.

- فضای اینترنتی باعث افزایش سرعت زندگی و دسترسی به اطلاعات شده است.

- عده‌ای پاسخ داده‌اند که اینترنت تعداد شایعه‌ها و اطلاعات غلط در اخبار را افزایش داده است.

- نیمی از پاسخ‌گویان گفته‌اند که اطلاعات جعلی^۳ افزایش و نیم دیگری معتقدند هیچ تغییری صورت نگرفته است.

۳- پیمایش مرکز مطالعات علوم اجتماعی چین

از سوی دیگر پیمایش انجام شده توسط مرکز مطالعات علوم اجتماعی چین در سال ۲۰۰۵ در مورد تاثیرات اینترنت در چین نیز نشان داده است که:

-۶۲/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق این موضوع هستند که از طریق اینترنت به اطلاعات بهتری در زمینه سیاست دسترسی پیدا نموده‌اند.

-۶۰/۴ درصد اعلام داشته‌اند مقامات سیاسی ارشد چین می‌تواند از طریق اینترنت به آگاهی بیشتری در مورد آرای عمومی دسترسی پیدا نمایند.

-۵۵/۳ درصد اعلام نموده‌اند حکومت از طریق اینترنت بهتر می‌تواند به مردم کمک و عمل نماید.

1. Pace
2. Spot
3. Bogus

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

-۵۴/۲ درصد اعلام نموده‌اند که از طریق اینترنت مردم فرصت بیشتری را برای نقد سیاسی سیاست‌های حکومتی پیدا نموده‌اند.

-۴۱/۱ درصد از پاسخ‌گویان اعلام نموده‌اند که مردم از طریق بهره‌گیری از اینترنت قدرت سیاسی بیشتری را پیدا نموده‌اند (Rebecca, 2007: 44).

۴- پیمایش انجام شده در تهران

در پیمایش انجام شده در تهران (۱۳۸۷) در رابطه با فضای وب لاگ‌ها در ایران نتایج پاسخ‌های دریافتی به‌صورت زیر بوده است:

- از مجموع ۵۵ نفر پاسخ‌گو به عقیده ۳۸/۲ درصد وب لاگ‌ها در ایران تا حدودی قادر شده‌اند خلاء رسانه‌های آزاد در ایران را پر کنند. این در حالی است که تنها ۱/۸ درصد قابلیت وب لاگ‌ها را خیلی کم ارزیابی نموده‌اند.

-۵۰/۷ درصد از پاسخ‌گویان اعلام داشته‌اند که به اخبار غیررسمی ارائه شده از سوی وب لاگ‌ها علاقه زیادی دارند و ۵/۵ درصد نیز این علاقه را کم ارزیابی نموده‌اند. به نظر می‌رسد مخاطبان ایرانی از تکرار بیش از اندازه اخبار و اطلاعات از یک نهاد خسته شده‌اند.

-۴۷/۳ درصد از پاسخ‌گویان اعلام نموده‌اند که از وب لاگ‌ها برای ابراز نارضایتی استفاده می‌نمایند و ۹/۱ درصد کاربرد وب لاگ را در این زمینه کم ارزیابی می‌نمایند. به عبارتی وب لاگ‌ها در جامعه ایرانی به مکانی برای بیان اعتراضات تبدیل شده است.

-۵۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان علت اساسی رشد و استفاده از وب لاگ‌ها را ناکارآمدی احزاب سیاسی و نهادهای مدنی اعلام نموده‌اند و ۱/۸ درصد این موضوع را دارای اهمیت کمی می‌دانند. به عبارتی دیگر، در ایران وب لاگ‌ها دارای کارکرد حزبی و جامعه مدنی شده‌اند.

-۴۳/۶ درصد اعلام نموده‌اند که جنبه تعاملی وبلاگ‌ها در افزایش تحمل نظرات مخالف از اهمیت زیادی برخوردار است و ۵/۵ درصد این موضوع را دارای اهمیت کمی می‌دانند. به عبارتی دیگر وبلاگ‌ها در ایران امکانی را فراهم آورده که بازخورد اندیشه‌ها و افکار به سرعت دریافت گردد و افراد لحظه به لحظه افکار و نظرات خود را در معرض انتقاد قرار داده و یا در معرض انتقاد ببینند.

-۴۰ درصد از پاسخ‌گویان پاسخ داده‌اند که وب لاگ‌ها به میزان زیادی تمرینی خوبی برای تساهل و دموکراسی هستند و ۱۲/۷ درصد اهمیت کمی را به این موضوع قائل هستند.

۴۰- درصد از پاسخ گویان وب لاگ‌ها در ایران را فضای برای رها شدن از هنجارهای سیاسی و فرهنگی و حتی اقتصاد می‌دانند. به عبارتی افراد می‌توانند خود را در این فضا ابراز نمایند و هویت‌ها و خواسته‌ها و نیازهای سرکوب شده‌شان را طرح نمایند. در این زمینه تنها ۱۲/۷ درصد مخالف نقش وب لاگ‌ها در این زمینه بوده‌اند.

۳۰/۹- درصد از پاسخ گویان، بی‌نامی فضای سایبر و وب لاگ‌ها را در شفافیت زیاد و تعامل گسترده موثر می‌دانند. به عبارتی در فضای وب لاگ‌ها افراد به راحتی و به دور از ملاحظات شخصی نظرات خود را ارائه می‌نمایند.

۴۷/۳- درصد از پاسخ گویان معتقدند که با خواندن مطالب وب لاگ‌های اجتماعی می‌توان به عمق دیدگاه‌ها و رفتارهای جوانان پی برد و از دید آن‌ها شاید یکی از آسان‌ترین و کم هزینه ترین راه‌های پی بردن به دیدگاه‌های واقعی مردم در ایران بررسی و تحلیل محتوای وبلاگ‌ها باشد. این در حال است که تنها ۷/۳ درصد این موضوع را دارای اهمیت کمی می‌دانند.

تحلیل داده‌های پیمایش تهران نشان می‌دهد که با توجه به کای اسکور محاسبه شده و سطح معناداری به دست آمده، با اطمینان بالای ۹۹٪ می‌توان گفت در ایران وجود محدودیت‌ها سیاسی و گفتمانی و از سوی دیگر ویژگی تعاملی وبلاگ‌ها (دیالوگی) عامل اساسی رشد وب لاگ‌ها در ایران بوده است. به عبارتی وب لاگ‌ها دارای کار کرد دموکراتیک بوده‌اند (حاجی‌قربانی، ۱۳۸۶: ۲۵۲-۲۴۵).

۵- مطالعات انجام شده در سایر کشورها

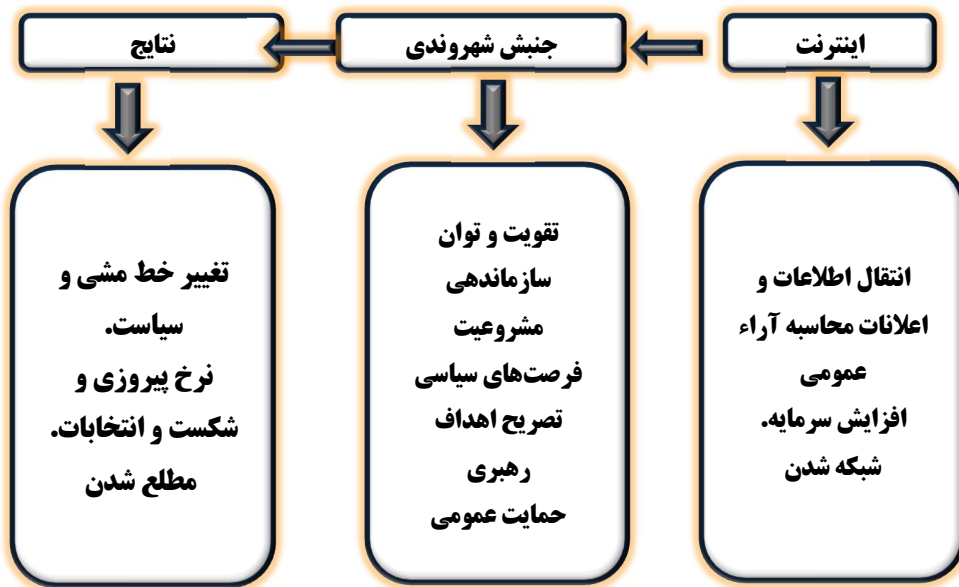
از سوی دیگر سایر مطالعات انجام شده نیز موید این موضوع است که فضای اینترنتی و وب لاگی ایجاد شده زمینه ساز بسط حوزه عمومی نوین شده‌اند که به چند مورد در کشورهای مورد مطالعه اشاره می‌نماییم.

۵-۱. **مورد کره جنوبی:** اینترنت و وب لاگ‌ها نشان داده‌اند که وسیله مهمی برای مبارزه مردم سالار بوده‌اند. وون و لی (۲۰۰۴) معتقدند که اینترنت شکلی از ارتباطات کامپیوتری بوده که ویژگی آن را سرعت جریان انتقال اطلاعات و ارتباطات دو سویه تشکیل داده است. از دید آن‌ها، اینترنت منبع بسیج بوده است و مزیت اینترنت در ارزان بودن و رها بودن از محدودیت‌های مکانی است. آن‌ها در مطالعه که در زمینه تاثیر و نقش اینترنت در جنبش اجتماعی در کره

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

انجام دادند نتیجه‌گیری نموده‌اند که اینترنت و وب لاگ‌ها به چهار صورت از طریق معترضین مورد استفاده قرار گرفته است:

- اینترنت به‌عنوان وسیله برای انتقال اطلاعات و اعلامیه‌ها مورد استفاده بوده است.
- اینترنت به‌عنوان وسیله‌ای برای محاسبه آراء عمومی استفاده گردیده است.
- اینترنت به عنوان وسیله برای افزایش سرمایه استفاده شده است. قبلاً افزایش سرمایه نیازمند استفاده از تلفن، فکس و نامه‌نگاری و تماس‌های شخصی بود که وقت و هزینه‌های زیادی را می‌طلبد.
- اینترنت امکان مناسبی برای شبکه‌ای شدن را فراهم آورد (Dada, 2004:50-51).
آن‌ها سپس با توجه به همین قابلیت‌ها مدل نظری خود را ارائه می‌نمایند (شکل یک مدل نظری ارائه شده توسط وون و لی).



شکل ۲: نقش اینترنت در جنبش‌های اجتماعی (Haesoo, 2004: 51)

۵-۲. مورد چین: در چین اینترنت و وب لاگ‌ها وسیله مهمی برای تغییرات سیاسی و اجتماعی هستند. از این رو دولت چین پیچیده‌ترین، پر هزینه‌ترین و دامنه دارترین سیستم

فیلیترینگ اینترنت جهان را ایجاد نموده است. از سال ۲۰۰۵ و با افزایش چشم‌گیر وب لاگ‌های سیاسی مخالف دولت، رژیم چین مبارزه گسترده‌ای را برای قبض این حوزه آغاز نموده است. اینترنت در چین نشان داده است که چالش برای رژیم چین است و این چیز تازه‌ای برای چینی‌ها نیست. مباحث آن لاین کشاورزان چینی در اعتراض به اقدامات رژیم از این جمله هستند. از سال ۲۰۰۴ وب لاگ نویسان چینی نشان دادند که می‌توانند جایگزین ژورنالیسم بسته چین شوند. در آن دوره فردی به نام وانگ جیان شو^۱ وب لاگی را به زبان انگلیسی و چینی ایجاد نمود که به دیلی پست معروف گردید و در آن حوادث شانگ‌های در طی شورش سیاسی در سال ۲۰۰۳ تشریح شود. در سال ۲۰۰۴ وب لاگ نویسان چینی حکایات زیادی را به همراه تصویر و روایت شاهدین عینی از قتل عام مردم شانگ‌های ارائه نمودند. از پاییز ۲۰۰۵ فضای وبلاگ‌ها در چین چنان توسعه یافتند که دولت کنترل مستقیم آن را آغاز نمود و مهلتی را برای ثبت هویت و دریافت فرم‌های ثبت ارائه نمود و در همان سال به‌عنوان قسمتی از برنامه‌ی کنترل فضای وبلاگ‌ها، حکومت اقداماتی را برای کنترل وبلاگ‌ها آغاز نمود و مقرر شد وبلاگ‌ها از ارسال مطلب ناقض قانون اساسی یا مطالبی که تهدیدی برای امنیت ملی، افشای اسرار دولت، اقدام علیه نظام و واژگونی رژیم و اقداماتی که تهدیدی علیه همگرای و وحدت ملی بود خودداری نمایند. از سوی دیگر وبلاگ‌ها از انعکاس، از پخش اخبار راهپیمایی‌ها، تظاهرات و تجمعات که نظم عمومی را مغشوش می‌نمودند منع شدند. البته نکته که در ارتباط با سیاست سانسور و انسداد سایت‌های اینترنتی و وب لاگ‌های چینی لازم به اشاره است این است که افشای موضوع همکاری میکروسافت، یاهو و گوگل با دولت چین در زمینه انسداد سایت‌های اینترنتی و نیز کمک این شرکت‌ها به دولت چین در توقیف بعضی از فعالان سیاسی سایبر، رسوایی بزرگی برای آمریکایی‌ها و شرکتی‌های سرمایه داری بوده است. اتهام این شرکت‌ها تسهیل و کمک به دولت چین در اعمال سانسور است. در این زمینه این شرکت‌ها اطلاعات شخصی کاربران چینی را در اختیار دولت چین قرار داده و بر اساس آن دو وب لاگ نویس دستگیر شدند. از سوی دیگر کمک‌های میکروسافت نیز منجر به تعطیلی یک وب سایت بر اساس درخواست دولت چین شد. گوگل نیز ماشین سانسور جستجوی بین‌المللی

1. Wang Jian Shuo

را در اختیار چین قرار داده است. اتهام یاهو در چین، کمک به مقامات چین در سرکوب مخالفان است (Undermining Freedom, 2006: 5-7).

۳-۵. **مورد برمه:** در برمه اگر چه دانشجویان به صورت مستقیم و فیزیکی با دولت برمه رویاروی نبودند ولی آن ها از قدرت نرم به نحو مطلوبی استفاده نمودند. در این دوره، تغذیه اطلاعاتی در درون کشور از طریق وسایلی نظیر صدای دموکراتیک برمه، ژورنال تحت عنوان «عصر جدید» و روزنامه‌های نوشته شده در بانکوک که از طریق پناهندگانی که در مناطق مرزی به درون کشور سفر می نمودند صورت می گرفت. رادیوی تازه تاسیس آسیای آزاد به زبان محلی در برمه پخش می شد و همچنین اطلاعات از طریق دیسکتهای کامپیوتری که اغلب فیلمها و بازی های گرافیکی را شامل می شد، بدون سانسور و تعرفه‌های گمرگی وارد این کشور می شد. در برمه، اینترنت باعث ایجاد تریبونی برای صدای مخالفین و مکانی برای برمه‌ای‌ها و جهانیان برای شنیدن اطلاعات جایگزین شد، چیزی که حکومت آن ها را منتشر نمی نمود. فعالان سیاسی برمه ای موفق شدند که نهادهای دموکراتیکی را ایجاد نمایند و نمونه‌ای مثال زدنی برای تمامی مخالفان در سایر کشورها شدند (Tiffany, 2000: 146-158).

۴-۵. **مورد عربستان سعودی:** در سال‌های اخیر مباحث گسترده در سطح حکومتی، سازمان‌های غیر دولتی و رسانه‌ها اسلام گرا و سایر گروه‌های اجتماعی و سیاسی در ارتباط با لزوم ایجاد تغییرات آغاز شده است. این مباحث تاثیر گسترده در گفتمان عمومی ایجاد نموده است. در این زمینه به غیر از رسانه‌های دسته جمعی چون تلویزیون، اتاق‌های گفتگوی اینترنتی و وبلاگ‌ها در عربستان سعودی عناصر عمومی برای گفتگو را برای جامعه عربستان سعودی تزریق نموده‌اند (Yacoubian, 2005: 3).

همچنین در بیشتر کشورهای آسیایی دیگر شواهد موجود نشان می‌دهد که سازمان‌های مدنی اقدامات گسترده‌ای را برای استفاده از ظرفیت اینترنت و فضای دیجیتالی برای مقاومت در مقابل حکومت از طریق اینترنت آغاز نموده‌اند که این اقدامات شامل موارد زیر هستند:

- فراهم آوردن منابع ضداطلاعات در خصوص شرایط حکومت از جمله استفاده از سایت‌های بین‌المللی برای احتراز از کنترل داخلی و کنترل اقدامات سیاسی، حکومتی و فساد در دولت‌ها و اعمال آن‌ها.

- بسیج شهروندان برای اقدام دسته جمعی از جمله اعتراض علیه اقدامات حکومتی در کره و فلیپین و مبارزه از طریق پست‌های الکترونیکی برای تغییر رفتار مقامات سیاسی و حکومتی و بمباران سایت‌های حکومتی از طریق ارسال گسترده پیام‌های اعتراضی به مقامات حکومتی.

نتیجه‌گیری

این مقاله در این راستا تدوین گردیده بود که به این سوال پاسخ دهد که فضای جدید اینترنتی و وب لاگی می‌تواند باعث بسط حوزه عمومی گردد. در این ارتباط در بخش نظری این تحقیق توضیح داده شده که حوزه عمومی حوزه‌ای است که دارای استقلال از دولت و قدرت اقتصادی است، در آن امکان مبادله و نقد قابل انتقاد ادعاهای معتبر اعمال معنوی در آن وجود دارد، از سوی دیگر مشارکت‌کننده در آن می‌تواند به صورت انتقادی ارزش‌های فرهنگی، فروس، منافع و همچنین زمینه‌های اجتماعی وسیع را نقد نماید، از سوی دیگر این حوزه ای است که تعهد به گفتگو بین افراد و گوش فرا دادن به استدلال دیگران در آن وجود دارد. از سوی دیگر توضیح داده شد که حوزه‌های عمومی حوزه‌ای است که مشارکت‌کنندگان از شرایط برابر و مساوی برای گفتگو برخوردار هستند. با توجه به ویژگی‌های حوزه عمومی استنتاج گردید که حوزه عمومی زمانی وجود دارد که دسترسی همه شهروندان به آن تضمین شده باشد، امکان تبادل بی قید و شرط و آزاد وجود داشته باشد، تضمین برای دسترسی به اطلاعات وجود داشته باشد، امکانی برای انتقال نیازهای جامعه به دولت وجود داشته باشد، اجبارهای اجتماعی و فشارهای سیاسی در آن کم گردد، مزیت‌های خاص برای گفتگو در هر زمینه ای از بین رود و یا به حداقل برسد، اختلال‌های ایدئولوژی از پیکر ارتباطات کلامی زدوده شود و در نهایت امکان کافی برای دیالوگ فراهم گردد.

نتایج بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که با ورود فن آوری‌های جدید دیجیتالی، فرصت‌های ساختاری جدید ایجاد شده‌اند که در وهله اول انحصار کنترل اطلاعات توسط دولت را از بین برده‌اند از سوی دیگر موجبات ایجاد ساختارهای فرصت گسترده شده است. بررسی‌های موردی و نیز نتایج نظر سنجی‌ها و پیمایش‌ها نشان دادند که اینترنت و فضای وب لاگی باعث ایجاد حوزه عمومی جدیدی تحت عنوان «حوزه وب لاگ‌ها و حوزه اینترنتی» شده است. ایجاد این حوزه از طریق تضعیف نقش‌های رمز گذاری و هم‌مونیک دولت‌ها بوده است. البته مجموعه ای از تغییرات فن آورانه به بسط این حوزه کمک کرده‌اند. پایین آمدن هزینه و سرعت ارتباطات، سرعت سازماندهی وب لاگی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش داده است از

دموکراسی شدن در فضای انجمنی عمومی

سوی دیگر باعث کاهش موانع ساختاری نقد نظام‌های سیاسی شده از جمله توان دستکاری افکار عمومی، کنترل اندیشه‌ها و ایندکس سازی و دستگاه رمز گذاری و از سوی دیگر باعث توسعه فرصت‌های گفتمانی دو سویه و انتقادی را فراهم نموده است. بدین ترتیب به واسطه توسعه وب لاگ‌ها، امکان طرح دیدگاه‌های متکثرانه، امکان طرح دیدگاه‌های گروه‌های در حاشیه، تحریک، ترغیب و بسیج‌های عمومی و جنبش‌های سیاسی توسعه یافته که نشانه‌های از بسط حوزه عمومی جدید در فضای سایبر هستند. پس بنابراین در ارزیابی نهایی چارچوب نظری این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که تحقیق حاضر نشان داد که اینترنت و وب لاگ‌ها توانسته‌اند، حوزه عمومی را از طریق ضد گفتمان‌های مسلط سیاسی، منابع جایگزین اطلاعاتی، فرصت‌های دیالوگ و گفتمان، کاهش منزلت‌های پیشا دیجیتالی، افزایش امکان دربرگیرندگی بالا، برابری فرصت‌ها، افزایش تکثر گرایی اطلاعاتی و تنوع دانشی بسط دهند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- انصاری، منصور (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی، امکانات دموکراتیک اندیشه های میخایل باختین و یورگن هابرماس*، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- بی‌نام (۱۳۸۴). *ایجاد توسعه پویا، گزارش نهایی موسسه فرصت های دیجیتال (جولای ۲۰۰۱)*، ترجمه نصرالله جهان گرد و علیرضا رشیدی کمیجان، تهران: انتشارات گل واژه .
- حاجی قربانی، منصوره؛ چاوش باشی، فرزانه (۱۳۸۶). «بررسی عوامل موثر بر رشد وب لاگ نویسی در ایران از دیدگاه متخصصان ارتباطات»، *پژوهشنامه رسانه، فرهنگ و مدیریت*، شماره ۱۳، پژوهشکده ی تحقیقات استراتژیک.
- خلفخانی، مهدی (۱۳۸۷). *فرصت های اطلاعاتی و ارتباطی برای دموکراتیزه شدن در فضای سایبر (مجازی)*، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۸). *یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: انتشارات نشر نی.

ب) منابع انگلیسی

- Dada, Danish (2004). *The Failure of E-Government in Developing Countries*, Department of Information Systems, London School of Economics.

- Dahlberg, Lincoln (2001). **Computer- Mediated Communication and the Public Sphere: A critical analysis**, Massey University, New Zealand.
- Daniel w. Drezner & Farrell, Henry (2007). **Introduction: Blogs, Politics and Power: a Special Issue of Public Choice**, Published by Springer science & business media, e-mail: Daniel.Drezner@tufts.edu.
- Danitz, Tiffany & Strobel, Warren P. (2000). Networks and Net Wars: the Future of Terror, Crime and Militancy, USIP, Virtual Diplomacy, series, No.3, www.usip.org/oc/vd/vdr/vburma/vburma_intro.html.
- Hedelman, Baavur Liora (2007). "Promises and Perils of Weblogistan: online Personal Journals and the Islamic Republic of Iran", **Meria the Middle East Review of International Affaires**, Volume 11. No.2.
- Human Development Report (2001). **Making New Technologies Work for Human Development**, UNDP, published by Network, Oxford.
- Jennifer, Galley Stromer (2002). **New Voice in the Public Sphere: Political Conversation in the Internet Age**, Presented to the Faculties of the University of Pennsylvania in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy in Communication.
- Kwon, Haesoo, & Lee, Jong Youl (2004). "NGOs Political Reform Movement: Process Via the Internet: Focusing on Election Defeat Movement", **International Review of Public Administration**, vol8, No2.
- Mackinnon, Rebecca (2007). **Flatter world and Thicker Walls? Blogs, Censorship and Civic Discourse in China**, **Journalism & Media Studies**, Ctr, University of Hong Kong, E-mail: Rebecca. mackinnon@mac.com.
- O'Neill, Shane (2005). **Critical Theory, Democratic Justice and Globalization**, **Critical Horizons**, Korinklijke, Brill NV, Leiden.
- Schneider, Steven Michael (1997). **Expanding the Public Sphere through Computer –Mediated Communication: Political Discussion about Usenet Newsgroup**, Submitted to the Department of Political Science in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy in Political Science at the Massachusetts Institute of Technology.
- Teresa (Tess) , Pierce (2007). **Women, Weblogs and War: Digital Culture and Gender Performativity .There Case Studies of Online Discourse by Muslim Cyber Conduits of Afghanistan, Iran, Iraq**, Submitted to the Faculty of Clark University, Worcester, Massachusetts.
- The virtual Trial: Political Journalism on the Internet (2002). **Institute for Political Democracy and the Internet**, www.Ipdi.org, Graduate School of Political Management, The George Washington University.
- Undermining Freedom of Expression in china (2006). Published by **Amnesty International**, UK, the human right action center www.amenesty.org.uk, 2006.
- Yacoubian, Mona (2005). **Promoted Middle East Democracy II**, Arab Initiative, United State Institute of Peace, www.usip.org.